



مطالعه‌ی اقوام بومی اسکیمو در قاره آمریکا

پوهنوال سیمای نوری^۵

تقریظ دهنده: پوهاند عبدالغیاث صافی

مجله‌ی علمی-تحقیقی حوزه‌ی علوم
طبیعی پوهنتون کابل، ۳ (۳) ۱۳۹۹

چکیده

اسکیمو در قطب شمال زندگی نموده و بیشترشان خود را اینوئیت می‌خوانند. شمارکوتونی اینوئیت‌ها که در جهان به اسکیمو معروف شده اند، حدود صد هزار نفر می‌باشد. ابزار شکار اسکیموها در گذشته بسیار ابتدایی بود. اسکیموها هنوز به شکار ادامه داده و از این طریق امرار حیات می‌نمایند. با وجود فشارهای تکنالوژی و توسعه‌ی شمال توانسته اند ریشه‌های فرهنگی-اجتماعی سنتی خود را حفظ کنند. اسکیموها می‌توانند در سر زمین اجداد خود به زندگی ادامه دهند. هدف اصلی تحریر این مقاله عبارت از معرفی بیشتر اقوام بومی آمریکا و آشنایی با تمدن‌های آن‌ها که قبل از ورود اروپائیان به آن سرزمین‌ها درخشیده بود، برای محصلین دیپارتمنت جغرافیة پوهنخی زمین‌شناسی، دیپارتمنت باستان‌شناسی پوهنخی علوم اجتماعی و سایر محصلین پوهنتون‌های دولتی، خصوصی و هم‌چنان سایر علاقمندان مطالعه‌ی آن نهایت جالب و ضروری خواهد بود.

اصطلاحات کلیدی: اسکیمو؛ خز؛ سورتمه؛ اینوئیت؛ بیرنگ؛ عنعنات؛ گوزن قطبی

Native Peoples Of America Continent (Eskimos)

Associate Prof. Sima Noori

Abstract

In the very distant past, some migrated from Asia and Mongolia to undiscovered territory, reaching the present-day Bering and Greenland area and settling there for some time. These people have short, wide, pink limbs with shorter arms and legs than usual, eyes wide open. These people have short, wide, pink limbs with shorter arms and legs than usual, eyes wide open. Eskimos are traditionalists and live according to their particular rituals and traditions. Around the North Pole there are people who most call themselves Inuit. The current number of Inuit people worldwide known as Eskimos is about 100,000. The Eskimo hunting tool was very elementary in the past. The Eskimos continue to hunt and survive. The Eskimos are traditionalists and live according to their particular traditions and traditions and have been able to maintain their traditional social and cultural roots despite the pressures of the North and the development of the North. Eskimos can live on the land of their ancestors.

Keywords: Eskimo; Fur; Sleigh; Inuit; Bering; Traditions; Caribou

ارجاع

نوری، سیمای. (۱۳۹۹). مطالعه‌ی اقوام بومی اسکیمو در قاره آمریکا. مجله‌ی علمی-تحقیقی حوزه‌ی علوم طبیعی پوهنتون کابل، شماره ۳ (۳)، صص ۵۷-۶۷.

^۵ استاد پوهنخی زمین‌شناسی، پوهنتون کابل

مقدمه

حدود ۴۰۰۰ سال پیش، گروهی از اهالی آسیا به سوی سرزمین‌های سرد شمالی رفتند و در آن‌جا ساکن شدند. به این ساکنان جدید اسکیمو (Eskimo) گفتند. اسکیموها به گروه از مردمی گفته می‌شود که به تعداد در حدود ۱۰۰ هزار نفر در گرینلند، شمال کانادا، آلاسکا و سایبریای روسیه زندگی می‌کنند. بیشترشان خود را اینوئیت می‌خوانند. شمار کنونی اینوئیت‌ها که در جهان به اسکیمو معروف شده‌اند، حدود صد هزار نفر می‌باشد. ریشه‌های اصلی اسکیموها ناشناخته است ولی به گمان اغلب اجداد آن‌ها از آسیا به امریکای شمالی قدم گذاشته‌اند. اسکیموها صورت پهن و اندامی کوتاه و پهن با دست و پای کوتاه‌تر از حد معمول، چشمانی کشیده و بادامی دارند. چنین اندامی به آن‌ها کمک می‌کند تا در شرایط سخت قطب شمال گرم بمانند. اسکیموها شباهت بسیار زیادی به مغول‌ها دارند. موهای بلند و مشکی و براق، چشم‌های تیره‌رنگ و ریز شبیه مغول‌ها، بینی استخوانی و پهن، پوست تیره‌رنگ که به سرخی گرایش دارد و گونه‌ای برجسته که نشان‌گر مغول‌ها است و اجداد اسکیموها همان مغول‌های مهاجر می‌باشد. هم‌چنین اسکیموها مردمانی متحد و مهربان، خون‌گرم و خانواده دوست هستند (۹). در زمان‌های بسیار دور عده‌ای از آسیا و مناطق مغول‌نشین به سوی سرزمین کشف نشده‌ای مهاجرت کردند و به منطقه‌ی بیرینگ و گرینلند کنونی رسیدند و مدتی در آن‌جا مسکن گزیدند. مردمان اسکیمو که از مدنیت معاصر آن‌قدرها برخوردار نیستند در سواحل شمال کانادا، سواحل گرینلند و آلاسکا به صید و شکار حیوانات تحت قطبی امرار حیات می‌نمایند اسکیموها به شکار ادامه داده تیر، کمان و نیزه ساخته‌ی خوک آبی، نهنگ، ماهی، پرندگان دریایی و گوزن قطبی شکار می‌کنند آن‌ها از همه قسمت‌های شکارشان به شکلی استفاده می‌کنند. گوشت آن را گاهی خام می‌خورند، با پوستش قایق، لباس و چادر می‌سازند، با استخوان‌هایش سوزن و سرنیزه درست می‌کنند و چربی آن را به جای نفت و چوب می‌سوزانند. شکار باعث شده که خانواده‌ها با تشکیل گروه به این امر بپردازند و تا قرن ۱۹ حدود ۷۰ گروه از اسکیموها در سراسر شمال پراکنده بودند (<http://fa.wikipedia.org/wiki/Eskimos>).

اسکیموها روی قایق‌های پارویی از جنس پوست و قایق‌هایی به نام کایاک سوار می‌شدند و از سنگ‌های قطبی برای کشیدن سورت‌مه استفاده می‌کردند. ابزار شکار اسکیموها در گذشته بسیار ابتدایی بود. این ابزار از جنس آهن و مس نیست بیشتر از جنس چوب، پوست و استخوان و دندان حیوانات است زیرا آهن درش سرمای زیاد به پوست دست می‌چسبد و جدا نمی‌شود و نیز برودت بالایی دارد. ساحه‌ی شکار اسکیموها در حقیقت محیط اصلی شکار و تربیه حیوانات را برای مردم

کانادا و ایالات متحده‌ی آمریکا تشکیل می‌دهد. علاوه بر آن زمینه‌ی تحقیقات علمی دستگاه‌های مختلف کانادا و ایالات متحده‌ی آمریکا را این مردمان در ساحه‌ی قطب شمال مساعد می‌سازد (۵).

عده‌ای زیادی از اسکیموها به شمال کانادا کوچ کردند و در آن‌جا مسکن گزیدند و تا همین اواخر که در دشت‌های بی‌آب و علف و در کرانه‌های اقیانوس منجمد شمالی زندگی می‌کردند و در محیط هراسناک شان از بقیه جهان منزوی مانده بودند. تا قرن ۱۹ روش زندگی آن‌ها مانند سابق بود ولی با ورود اروپائیان فرهنگ زندگی اسکیموها دچار تغییرات شد. تکنالوژی پیشرفته زندگی را برای اسکیموها آسان‌تر ساخته است. این مردم قرن‌ها در انزوای کامل به سر می‌بردند. انکشاف و سایل حمل و نقل ارتباطات آن‌ها را تأمین و ضمناً زندگی مدرن مسائل جدیدی را برای اسکیمو به وجود آورده است. بعد از جنگ جهانی دوم ارتباطات بین اسکیموها و دیگر کانادایی‌ها به سرعت افزایش یافت. خدمات دولتی و کشف ذخایر نفت و گاز باعث شده که هزاران نفر از مردمان جنوب به شمال سرازیر شوند. در طول همین دوره دولت کانادا اسکیموها را به عنوان شهروندان کامل به رسمیت شناخت و خدمات درمانی آموزشی و سایر خدمات اجتماعی را در دسترس آن‌ها قرار داد. در سال‌های اخیر اسکیموها توانسته‌اند کنترل سیاسی کسب کنند. حالا اعضای اسکیموها در پارلمان کانادا در هر دو مجلس عوام و سنا حضور دارند (۹).

ارتباط اسکیموها با خارج بعد از قرن ۱۹ با رشد تجارت خز بیشتر شد و با کم شدن تجارت خز شکار و دام‌پروری منبع تهیه غذا و عاید برای بسیاری از خانواده‌های اسکیمویی بوده و می‌باشد. اسکیموها با وجود فشارهای تکنالوژی و توسعه‌ی شمال توانسته‌اند ریشه‌های فرهنگی اجتماعی سنتی خود را حفظ کنند. اسکیموها می‌توانند در سرزمین اجداد خود به زندگی ادامه دهند (<http://fa.wikipedia.org/wiki/Eskimos>). اسکیموها سرزمینی را در اشغال دارند که هیچ کس خواهانش نیست.

اسکیموها افراد سنت‌گرایی هستند و طبق مراسم و سنن خاص و قبیله‌ی خود زندگی می‌کنند. آن‌ها به تزئینات اهمیت زیادی می‌دادند. از دندان‌های حیوانات برای خود زیورآلات زیبا می‌ساختند و خالکوبی برای زنان ازدواج کرده اسکیمویی یک امر ضروری است. طرح و نقش خالکوبی در اسکیموها نشان دهنده‌ی این است که زنان به چه قبیله و خانواده‌ای متعلق هستند. اسکیموها سده‌ها است که به عنوان شکارگران و گردآورندگان خودبسنده باقی مانده‌اند و کم‌تر تحت تأثیر جوامع زراعتی و صنعتی در جنوب منطقه‌ی خود قرار گرفته‌اند. این مردم در گذشته فقط از لباس‌هایی از پوست خز استفاده می‌کردند.

مواد سوختی برای اسکیموها بسیار با ارزش و کمیاب است آنان از چربی حیوانات شکار شده جهت روشنایی و ایجاد حرارت از آن استفاده می‌کنند (<http://www.tebjah.net/>). بزرگ‌ترین محل زندگی اسکیموها منطقه‌ی الاسکا است که در این منطقه ادارات، مراکز تجاری، مؤسسات آموزشی و بیمارستان‌های متعددی دیده می‌شوند (۶).

زبان اسکیموها

آلوت زبان اسکیموها یکی از خانواده‌های زبانی است که اسکیموها به آن تکلم می‌کنند. بیشتر زبان‌های این خانواده در معرض خطر نابودی است. زبان‌های این خانواده که توسط اسکیموها به کار می‌روند، در مناطق شمال کانادا، آلاسکا، شبه جزیره چوکچی، سایبریا و گرینلند گوینده دارد. زبان این خانواده با سایر خانواده‌های زبانی ارتباط ریشه‌ای ندارد. پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام گرفته، نشان‌دهنده‌ی این است که زبان‌های این خانواده با زبان فنلاندی مشابهت‌های زیادی دارد (۵). زبان‌های اسکیمویی نیز دسته‌بندی‌های خود را دارند. زبان‌های این شاخه به دو دسته عمده زبان‌های یوپیک و اینوئیت تقسیم‌بندی شده‌اند. گاهی مجموعه زبان‌های اسکیمویی را یوپیک-اینوئیت نیز می‌گویند زبان‌های یوپیک بیش از ده‌هزار تن متکلم دارد. این زبان‌ها بیشتر در آلاسکا رایج هستند. زبان‌های اینوئیت شامل اینوپیات، اینوویالوکتون، اینوکیتوت و گرینلندی می‌شود که زبان اینوپیات در منطقه آلاسکا قریب به ۳۵۰۰ تن متکلم دارد. زبان اینوویالوکتون در کشور کانادا ۷۶۵ نفر به آن سخن می‌گویند. زبان اینوکیتوت از پر متکلم‌ترین زبان‌های این مجموعه است و بیش از ۴۰۰۰۰ نفر در کانادا به آن سخن می‌گویند. این زبان به دو لهجه مجزا تقسیم می‌شود. زبان گرینلندی مهم‌ترین زبان این مجموعه است و بیش از ۵۴۰۰۰ نفر در گرینلند و دانمارک به آن سخن می‌گویند. این زبان تنها زبان آلوت-اسکیمویی است که جایگاه زبان رسمی را دارد. زبان گرینلندی با خطی برگرفته از الفبای لاتین نوشته می‌شود.

لباس اسکیموها

اسکیموها در گذشته‌های دو، فقط از لباس‌هایی از پوست خز استفاده می‌کردند. لباس اسکیموها از جنس پوست حیوانات شکار شده به ویژه گوزن و سمور دریایی و خرس‌های قطبی است. آنان برای خود دست‌کش، کلاه، شلوار و پالتو و چکمه و حتی عینک درست می‌کردند. عینک یک وسیله‌ی بسیار ضروری است زیرا پرتوی نور برف به چشم صدمه می‌زند و حتی باعث کوری می‌شود اسکیموها به پوست سمور دریایی اعتقاد زیادی دارند و حتماً در لباس شان تکه‌ای از پوست سمور

دریایی به کار می‌برند. اسکیموها به زنبور و کندوی عسل نیز احترام می‌گذارند و معتقدند که زنبور عسل نیروی جادویی دارد و عسل را نیروی شفا دهنده می‌دانند.



شکل ۱: مردم اسکیمو با طرز لباس آن‌ها (<https://www.google.com/search>)

خانه اسکیموها

اسکیموها بنا به سنت و رسوم قبیله‌ای خود به گونه‌های مختلف خانه‌سازی می‌کنند بعضی از خانه‌های آن به صورت چادرهای مدور و مخروطی باروکشی از پوست گوزن شمالی و یایسل دریایی می‌باشد البته این نوع چادرها مخصوص فصل تابستان و تابش آفتاب است و در فصول سردتر خانه‌های خود را از تکه‌های چوب جمع‌آوری شده در سطوح آب‌ها و سنگ و کلوخ می‌سازند و

برای ایجاد استحکام در برابر باد و طوفان زمین را حفر کرده و پایه‌گذاری می‌نمایند. بسیاری از قبیله‌ها از قلعه‌های یخی برای ساخت خانه‌ی خود استفاده می‌کنند این نوع خانه‌ها به شکل نیم‌کره و مدور است و در برابر سرما و طوفان شدید مقاوم می‌باشد و افراد ساکن در آن را از سرما حفظ می‌نماید. آن‌ها با پوست حیوانات و قالب‌های منظم یخ خانه‌های گرم و امن می‌سازند و زمستان‌های سرد و طولانی قطب را در این خانه‌ها به سر می‌برند (۱).



شکل ۲: نمای خانه‌های اسکیموها (<https://www.google.com/search>)

مهم‌ترین وسیله حمل و نقل اسکیموها سورتمه است که سگ‌ها آن را می‌کشند. اسکیموها برای حمل سورتمه و باربری و یافتن راه در برف و تاریکی از سگ‌های قطبی استفاده می‌کنند. سگ‌های تربیت شده قطبی به دلیل این که پشم بدنشان بلند و ضخیم است آن‌ها را در برابر سرمای شدید مقاوم می‌سازد (۲).



شکل ۳: نمونه‌ی ترانسپورت اسکیموها (<https://www.google.com/search>)

قایق‌های اسکیموها بسیار جالب است. این قایق‌ها را کایاک می‌نامند و بدنه‌ی این قایق از پوست سموردریایی روکش شده است و این قایق‌ها به صورتی ساخته می‌شدند که وقتی اسکیمو در آن می‌نشاند بدنش کاملاً پوشیده شده و از طغیان اقیانوس‌ها به درون قایق جلوگیری می‌کنند (www.omidvar-brothers.com).

مراسم تدفین اسکیموها: مراسم دفن اسکیموها جالب است؛ در گذشته گورهای بزرگی حفر می‌کردند و چندین مرده را در آن دفن می‌کردند اما امروزه گورهای تک‌نفره حفر می‌کنند. باید متذکر شد ابزار و وسیله‌ای را که سبب فوت شخصی شود همراه او دفن می‌کنند. زیرا معتقدند که استفاده از چنین ابزاری که باعث مرگ فرد شده خوب نیست و باید از بین برود (www.tebjan.net) یکی از مشهورترین داستان‌ها در مورد اسکیموها رفتار عجیب و غریب شان در مورد مرگ و زمانی است که

به سن پیری می‌رسند. آن‌ها افراد پیر خانواده و فامیل خود را به دریا برده و روی یک تکه یخ شناور رها می‌کنند. این افراد روی تکه یخ تنها ناچارا یا باید یخ بزنند یا از گرسنگی بمیرند. دلیل این رسم شان این است که اسکیموها اعتقاد دارند جهان دیگر در انتظار مرده‌هاست، بنابراین آن‌ها خودشان افراد پیر را با عزت به زندگی پس از مرگ می‌فرستند تا قبل از اینکه تبدیل به سرباز خانواده شوند موقرانه از این دنیا خارج شوند. زندگی این مردم با سختی‌های زیادی همراه است و همه روزه برای به دست آوردن غذا باید تلاش کنند. از این رو افراد پیر دیگر توانایی کار کردن ندارند و مجبورند غذا و لباس خود را از بقیه بگیرند. این را هم باید در نظر گرفت که بچه‌ها نیز توانایی کار کردن ندارند. مردان باید همه روزه برای خودشان، زنان و بچه‌ها شکار کنند زنان هم باید برای مردان و خودشان و بچه‌هایشان آشپزی کنند و لباس تهیه کنند. در این بین بچه‌های بزرگ‌تر هم مسئولیت نگهداری بچه‌های کوچک‌تر را دارا هستند و کسی برای مراقبت از افراد پیر و از کار افتاده باقی نمی‌ماند. با همه‌ی این حرف‌ها بیشتر نگرانی‌ها از این بابت است که این آیین حتی در حال حاضر در بین اسکیموهای امروزی نیز اجرا می‌شود.

مذاهب و باورهای اسکیموها

مذهب اولیه اسکیموها، جان‌گرایی یا همزادگرایی بود. به اعتقاد آنان، هر انسان با چند روح به دنیا می‌آید، پس از مرگ، خصوصیات شخصی متوفی به فرزند جدید خانواده بر می‌گردد از این رو آنان همیشه فرزند جدید را به نام متوفی نام‌گذاری می‌کردند آنان هم چنین به زندگی پس از مرگ اعتقاد داشتند. به همین دلیل هنگامی که فردی از اعضای خانواده فوت می‌کند، جنازه فرد همراه با اسباب و وسایلش در داخل پوست حیوان قرار داده می‌شود تا از آن‌ها در زندگی بعدیش استفاده کند (۴).

اسکیموها به وجود ارواح در طبیعت و حیوانات معتقد بودند. به خاطر همین، در میان هر اجتماع از خانواده‌های اسکیمو، زن یا مردی وجود داشت که دارای قدرت برقراری ارتباط با ارواح بود کار این افراد طلب شکار خوب، شفای بیماران و زندگی بهتر از ارواح بود. اسکیموها در زندگی خود از آداب و رسوم که برگرفته از اعتقاد آنان به ارواح بود، پیروی می‌کردند. به عنوان مثال، اسکیموهای آلاسکا را بردن نام حیوانی که قصد شکارش را دارند، جایز نیست و از این کار پرهیز می‌کردند که اگر اسم حیوان را بگویند. روح حیوان از قصدشان باخبر شده و اجازه نخواهد داد که شکار شود. آنان در انجام هر کاری از فکر کردن درباره‌ی آن پرهیز می‌کردند و معتقد بودند که در صورت خوش بین نبودن، با بدشانسی و عدم موفقیت مواجه خواهند شد (۸).

غذای اسکیموها

نوع تهیه‌ی غذا و خوراک اسکیموها در هر قبیله متفاوت است. اما به طور کلی حیوانات شکار شده استفاده می‌کنند. هنگامی که خورشید بی‌رمق و کم‌رنگ قطب شمال شروع به تابیدن می‌کند قسمت‌هایی از برف سطوح زمین آب می‌شود و گیاهان شروع به رویش می‌کنند. اسکیموها از موقعیت غذایی گوشتی را نمک سود کرده و یا در درون برف‌ها برای دوران سرمای بیش از حد نگاه می‌دارند (www.omidvar-brothers.Com).

جمعیت‌شناسی اسکیموها

از نوشته‌های نخستین کاشفان و بشرشناسان درباره‌ی اسکیموها چنین بر می‌آید که شیوه‌ی زندگی این مردم دست کم در سال‌های تنگی نمی‌توانست تعداد زیادی از آدم‌ها را تأمین کند. آدم‌های پیرو بیمار که نمی‌توانستند همپای گروه حرکت کنند، گهگاه به حال خود گذاشته می‌شدند و به عبارت دیگر آن‌ها را رها می‌کردند تا بمیرند. از این گذشته نسبت نابرابری زن و مرد در گروه‌های اسکیمو در آغاز سده‌ی بیستم نشان‌دهنده‌ی این است که آن‌ها از طریق دخترپچه‌کشی جمعیت جوان و وابسته شان را محدود نگاه می‌داشتند (۱).

در برخی موارد نظارت بر جمعیت احتمالاً عمدی و جهت تنظیم خانواده بود. بیم‌گرسنگی یکی از موضوع‌های تکراری صحبت‌های اسکیموها بود که یکی از راه‌های مبارزه با گرسنگی محدود نگاه‌داشتن آدم‌های غیر مؤلد را برای تضمین ادامه‌ی حیات دست کم برخی از کودکان بود.

نسبت جمعیت اسکیموها به منابع غذایی شان در آینده‌ی نزدیک بیش از پیش مایه‌ی نگرانی واقعی خواهد بود، زیرا جمعیت اسکیموها با شتاب افزایش می‌یابد. با بهبود مراقبت‌های بهداشتی و در نتیجه اقدام ایالات متحد و کانادا نرخ مرگ و میر اسکیموها در سال‌های اخیر به شدت کاهش یافته است. در اجتماع وین رایت الاسکا زنان به طور متوسط ۹ تا ۱۰ بچه زنده در سال‌های بارداری شان به دنیا می‌آورند، و این گروه اسکیمو سالیانه با نرخ ۳ درصد رشد می‌کند و بر اکوسیستم فشار وارد می‌کند (۱).

اسکیموها در روابط شخصی شان بر خویش‌داری بسیار تأکید می‌ورزند و ابراز احساسات عاطفی در میان آن‌ها ناپسند است؛ نشان دادن احساسات منفی، به ویژه خشم ناپسند است. برای اسکیمو پسنده‌ترین ویژگی حتی شخصیتی عبارتند از کم‌رویی، بردباری، بخشندگی و یک خوی معتدل است و این شگفت‌آور نیست که اسکیموها رهبری رسمی گروهی ندارند گرچه مردانی که به خاطر خردمندی و مهارت در شکار آوازه‌ای به هم زده باشند، می‌توانند در تصمیم‌گیری دسته‌جمعی قدری

اعمال نفوذ کنند، اما هرکسی که پیوسته در صدد تحمیل اراده اش بر دیگران باشد، با بدگمانی عمیق رو به رو خواهد شد. اسکیموهای خسیس و کزخوی مستقیماً مورد انتقاد قرار نمی‌گیرند، بلکه دیگران سعی می‌کنند آن‌ها را آرام سازند و یا به حماقت آن‌ها بخندند، اگر این روش هم چاره‌ی کار را نکند، از معاشرت با آن‌ها پرهیز می‌کنند. شدیدترین مجازات در جوامع اسکیمو تبعید از گروه است که در شرایط سخت قطبی تهدیدی بسیار جدی به شمار می‌آید (۱).

پرسشی که هنوز بی‌پاسخ مانده است، این است که چرا اینوئیت‌ها به شمال به زیست‌ناپذیرترین بخش زمین کوچیده‌اند؟ چرا آنان در بخش‌های خوش آب و هوای امریکا نمانده‌اند؟ آیا کمبود شکار آنان را به بخش‌های قطبی کشانده است؟ یا اینکه آنان به گفته‌ی قطب‌پژوه دنمارکی پیتر فرنچمن (Peter Frenchmen) از دست سرخ‌پوستان گریخته‌اند. به هر صورت، در اینکه اینوئیت‌ها و سرخ‌پوستان به هم دشمنی می‌ورزیده‌اند کم‌تر تردیدی می‌توان داشت. چرا که در اسطوره‌های اینوئیت‌ها، سرخ‌پوستان دشمن شماره یک قلم‌داد شده‌اند.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته شده عامل اصلی تعیین‌کننده در اسکیموها محیط است که شرایط سازگاری با محیط باعث شده اسکیموها اجازه ندهند جمعیت شان از حدی بیشتر شود زیرا در غیر این صورت کل جامعه در خطر انقراض و نابودی قرار می‌گیرند. چنانچه مدارک باستان‌شناسی گواهی بر این قضیه است که برخی از روستاهای اسکیموها به علت اتخاذ نکردن روش مذکور از بین رفته‌اند علاوه بر این، محیط بر روابط اجتماعی در بین اسکیموها تأثیر گذاشته، شبکه‌های خویشاوندی گسترده که در بین اسکیموها وجود دارد، تحت تأثیر محیط بوده چون در آن محیط سخت فرد به تنهایی نمی‌تواند امور زندگی خود را پیش ببرد و شرایط سخت محیطی باعث شده که شبکه‌های خانوادگی گسترده به وجود بیایند. اسکیموها در روابط شخصی شان بر خویشاوندی بسیار تأکید می‌کنند و ویژگی‌های شخصی آن‌ها عبارتند از: کم‌رویی، بردباری، بخشندگی و یک خوی معتدل. ازدواج‌های مشترک در بین اسکیموها به دلیل تقویت روابط اقتصادی و دوستی میان افراد خانواده صورت می‌گیرد ورود وسایل جدید و مدرن و صنعتی باعث تغییر محیط شرایط زندگی اسکیموها شده و خطر انقراض حیواناتی که شکار می‌شوند را بیشتر کرده است.

منابع

- (۱) بیتس. جغرافیای فرهنگ‌های جهان. ترجمه عباس جعفری. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۶، ص ۵۴.
- (۲) تی‌یر، ویلیز. اکتشافات جغرافیایی. ترجمه‌ی عباس جعفری. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۷۴، ص ۵۴.
- (۳) جعفری، عباس. گیتاشناسی نوین کشورها. تهران: انتشارات مرکزگیتاشناسی، ۱۳۸۴، ص ۹۶.
- (۴) جواهر کلام، فرید. عصر اکتشافات. تهران: انتشارات ققنوس، ۱۳۸۶. ص ۷۲.
- (۵) رحمتی، محب‌الله. جغرافیای منطقوی قاره امریکا (اثر غیر مطبوع)، ص ۲۳.
- (۶) شاملویی، حبیب‌الله. جغرافیای کامل جهان، تهران: موسسه چاپ و انتشارات، ۱۳۸۴، ص ۱۱۲.
- (۷) شیخ‌الاسلامی، وحید و دیگران. جغرافیای قاره‌ها. تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی، ۱۳۷۹، ص ۸۷.
- (۸) مشیری، رحیم. کلیات قاره‌ها. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، ص ۹۴.
- (۹) نوری، سیما. جغرافیای منطقوی قاره امریکا. پوهنخی زمین‌شناسی. پوهنتون کابل، ۱۳۹۵، ص ۵۴.